

## گردان چهارنفره



■ نویسنده: احمد دهقان  
■ آخرین چاپ: ۱۳۹۶  
■ انتشارات: کتاب نیستان  
■ تعداد صفحات: ۱۱۳

«گردان چهارنفره» داستانی از دل جبهه‌های جنگ است؛ گروهی چهار نفره متشکل از راوی داستان، علی، حسن و سعید، جوانانی کم‌سن‌وسال که به مرور زمان دوستی عمیقی میان‌شان شکل گرفته است و حال، هم چون چهار جسم و یک جانند؛ شب عملیات نزدیک است، احتمال لورفتن آن بالاست و این چهار نفر باید باری دیگر برای کسب اطمینان به شناسایی بروند...

## روزهای آخر



■ نویسنده: احمد دهقان  
■ آخرین چاپ: ۱۳۹۶  
■ انتشارات: نیستان  
■ تعداد صفحات: ۱۸۷

بازتابی است از روزهای پایانی جنگ، دورانی که همه چیز در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد و رزمندگان از آینده قطعی خود بی‌خبرند، هنگامی که خبر پذیرش قطعنامه منتشر می‌شود؛ و اینگونه بچه‌های جنگ از جبهه‌ها به شهر هدایت می‌شوند؛ درحالی‌که تعداد بسیاری از آن‌ها برنامه‌ای برای آینده خود ندارند؛ زمانی که بر مبنای دست‌نوشته‌های احمد دهقان شکل گرفته است؛ دورانی که نویسنده خود در جبهه بوده است...

## سال بازگشت



■ نویسنده: احمد دهقان  
■ آخرین چاپ: ۱۳۹۶  
■ انتشارات: نیستان  
■ تعداد صفحات: ۱۷۰

داستانی که براساس زندگی مردی به نام بابانظر نگارش شده، دلآوری که در سال‌های جنگ با تمام قدرت مبارزه کرده است و همانجا نقطه آغاز آشنایی او با ناصر است. ناصر اما در این هفت سالی که از جنگ سپری شده تمام تلاش خود را برای فراموشی تمام خاطرات آن دوران که بابانظر هم جزئی از آن است کرده، تا اینکه تماسی از دوست قدیمی خود، مجید، مبنی بر اینکه ناصر حتما باید برای دیدن بابانظر راهی مشهد شود دریافت می‌کند....

احمد امینی، فرمانده گردان ۴۱۰ لشکر ۴۱ ثاراله است. کتاب «یادداشت‌های حسن باقری» و مجموعه ۵ جلدی «گزارش روزانه جنگ» هم مجموعه دست‌نوشته‌های شهید حسن باقری، استراتژیست اصلی جنگ است که باز به همت احمد دهقان منتشر شده است. یعنی او علاوه بر مشاهدات شخصی خودش، باز هم در مورد سوژه رمان‌ها و داستان‌هایش می‌خواند و تحقیق می‌کند. همین اشراف و تسلط او به موضوع داستان‌هایش باعث شده تا آثارش کلیشه‌ای و سطحی نباشند، بلکه واقعی و باورپذیر از کار دربیایند. خودش جایی خاطره بامزه‌ای تعریف کرده است که خیلی سال پیش یادداشت‌هایی را از یک افسر عراقی به نام عزالدین مانع خوانده بود. عزالدین در یادداشت‌هایش درباره شخصی ایرانی به نام عبدالرضا خفاشی نوشته بود. این یادداشت و آن اسم مدت‌ها در ذهن آقای نویسنده می‌ماند تا وقتی که مشغول نوشتن «بچه‌های کارون» می‌شود و آنجا یکباره به یاد عبدالرضا خفاشی می‌افتد و اینطوری شخصیت عبدالرضا به داستان راه پیدا می‌کند؛ زمانی که درباره آزادسازی خرمشهر و یک حماسه ملی است.

یک نمونه دیگر این روحیه دهقان، ماجرای نگارش رمان «پرسه در خاک غریبه» است که برای این رمانش به کردستان عراق سفر کرد تا بتواند همه چیز را از نزدیک ببیند و با این اندوخته داستان گروهی مهاجر را بنویسد.

احمد دهقان، با داشتن ۲۳ عنوان کتاب، رمان و مجموعه داستان و مستندنگاری، یکی از مهم‌ترین نویسندگان ادبیات معاصر ما است. کسی که با کتاب «روزهای آخر» خودش، بر جریان خاطره‌نویسی از جنگ تحمیلی تأثیر گذاشت و با رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» جریان ادبیات دفاع مقدس را شکل داد. احمد دهقان هنوز می‌نویسد و خوب هم می‌نویسد و مثل ناصر رمان خودش، هنوز میل یک سفر دیگر به مناطق جنگی را دارد:

«آرام قدم بر می‌دارم. تقی شانه به شانه‌ام می‌شود. کلاه کاموایی‌اش را کشیده رو گوش و گوشنی بیسیم را داده زیر آن. سرش را می‌آورد جلو و آرام می‌گوید: «حیدر سلام می‌رسونه، می‌گه خداحافظ!» سر تکان می‌دهم. پاهایم را بیش از حد معمول بالا می‌آورم. انگاری رو زمین خرده‌شیشه پاشیده‌اند. منطقه ساکت است. با دشمن فاصله زیادی داریم...»



اطلاع‌داشتن از حوادث واقعی جنگ، یکی از ویژگی‌های اصلی قلم احمد دهقان است. او خودش در سنی مشابه ناصر «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، در پانزده‌سالگی به جبهه رفته بوده و بسیاری از وقایع داستان‌هایش را از نزدیک تجربه کرده و به اصطلاح، آثارش از «تجربه زیسته» خودش برمی‌آیند. به‌علاوه دهقان در تمام این سال‌ها، دست از پژوهش در مورد سال‌های دفاع مقدس برنداشته و مدام اطلاعات خودش را از این حوزه بیشتر و بیشتر کرده است

خورده و این گلوی بریده، خرخر بلندی داشته که او مجبور می‌شود برای لورفتن عملیات و حفظ جان باقی هم‌رزم‌هایش، سر این غواص تیرخورده را زیر آب ببرد و حالا این ماجرا ادیتش می‌کند. ماجرای بسیار تلخ که آن روی جنگ را نشان می‌داد و اتفاقاً رزمندگان قدیمی و سرداران جنگ، بسیار با آن همدلی داشتند. وقتی بعد از ساخت فیلم گروهی به آن معترض شده و تهدید کردند علیه نمایش این فیلم کفن‌پوش به خیابان می‌آیند و مقابل ساختمان ارشاد تحصن می‌کنند، سردار مرتضی قربانی در سالن سینما فلسطین حاضر شد و در سخنانی گفت که در جنگ چنین اتفاقی‌هایی داشتیم و عین همین ماجرا رخ داده است.

در همین باره نویسنده‌هایی مثل نویسنده‌های سرشناسی مثل سیدمهدی شجاعی و حبیب احمدزاده هم به دفاع از نویسنده پرداختند. شجاعی عنوان کرد وقتی این کتاب منتشر شد، احساس کردم که خیلی مظلوم واقع شده است. از نقدهای بی‌رحمانه‌ای که در جاهای مختلف نسبت به آن صورت می‌گرفت، از منظر انسانی یا اعتقادی دیدم که کار مستحق این همه توهین و فشار نیست. احساس کردم که تکلیف دارم به سهم خودم از نویسنده اثر دفاع کنم و توجه مخاطب را به وجوه مثبت داستان‌ها جلب کنم. حبیب احمدزاده خالق رمان «شطرنج با ماشین قیامت» درباره این اثر و اتهام‌هایی که متوجه روایت «من قاتل پسران هستم» بود گفت: «بسیاری از مدیران فرهنگی بدترین و بیشترین اشتباه‌ها را مرتکب شده‌اند. فکر نمی‌کنم کتابی مثل «من قاتل پسران هستم» بتواند یا بخواهد ضربه‌ای به دفاع مقدس بزند.»

اطلاع‌داشتن از حوادث واقعی جنگ، یکی از ویژگی‌های اصلی قلم احمد دهقان است. او خودش در سنی مشابه ناصر «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، در پانزده‌سالگی به جبهه رفته بوده و بسیاری از وقایع داستان‌هایش را از نزدیک تجربه کرده و به اصطلاح، آثارش از «تجربه زیسته» خودش برمی‌آیند. به‌علاوه دهقان در تمام این سال‌ها، دست از پژوهش در مورد سال‌های دفاع مقدس برنداشته و مدام اطلاعات خودش را از این حوزه بیشتر و بیشتر کرده است. کتاب «ناگفته‌های جنگ» خاطرات شهید علی صیاد شیرازی است که دهقان آن را آماده نشر کرده، درست مثل «پل چوبی» که زندگینامه و خاطرات سردار شهید

